

از این خانه بوی مواد و فساد می آید

Photo: majo1122331/shutterstock.com

موسی برزین، وکیل خانه امن

پرسش: سلام. خسته نباشید. یک سال پیش خانواده‌ای به محله ما آمدند که باعث مشکلات بسیاری شدند. این خانواده یک زن و شوهر هستند که سه بچه کمتر از 15 سال دارند. بعد از مدتی متوجه شدیم که رفت و آمدهای مشکوکی دارند. متأسفانه خانه را تبدیل به مرکز فحشا کرده‌اند. تحقیق کردیم دیدیم واقعا زن و شوهرند و بچه‌ها هم فرزندان خودشان هستند. مشخص است که شوهر اعتیاد دارد و خانم هم احتمالا مواد مصرف می‌کند. ظاهرا قبلا چند کوجه بالاتر از ما می‌نشسته‌اند که به علت اعتراض همسایه‌ها مجبور شدند جا عوض کنند. مرتب زنان و مردان مختلف به خانه رفت و آمد می‌کنند. بوی مواد مخدر هم از خانه می‌آید. یک بار به پلیس زنگ زدیم اما نتیجه‌ای نداد. نگرانی ما بیشتر از وضعیت بچه‌ها است. شخصی می‌گفت که یکی از اتاق‌ها را به زنان و مردانی که برای فحشا می‌آیند اختصاص داده‌اند. این بچه‌ها با این وضعیت آینده‌شان در خطر است. دو تا از بچه‌ها در مدرسه پسر هستند. درس‌شان هم اصلا خوب نیست و ظاهرا اکثر معلم‌ها خیلی از آن‌ها ناراضی هستند. پدر و مادرشان هم اصلا پیگیری نمی‌کنند. با یکی از پسرهایشان صحبت کردم که می‌گفت پدرش جلوی آن‌ها مواد می‌کشد و گاهی آن‌ها را کتک می‌زند و فحش می‌دهد. مثل اینکه پدر سابقه زندان هم دارد. سوال من این است که ما چه کار می‌توانیم بکنیم؟ آیا راهی هست حداقل به وضعیت بچه‌ها رسیدگی شود؟ به کجا زنگ بزیم؟ آیا به دادسرا یا کلانتری برویم؟

پاسخ: سلام! قطعاً با مسائلی که گفتید سلامت روانی و جسمی بچه‌ها در خطر است. حتماً با شماره 123 که خط اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی است، تماس بگیرید و مساله را گزارش دهید. هر وقت هم مورد مشکوکی دیدید و یا شاهد خشونت علیه این کودکان شدید، با پلیس تماس گرفته و گزارش دهید. خوشبختانه از لحاظ قانونی راهکارهایی برای برخورد با مساله وجود دارد. در قوانین ایران نسبت به بی‌توجهی به سلامت کودک، ضمانت اجرای کیفری و مدنی پیش‌بینی شده است. بر اساس ماده 4 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان «هر گونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع است و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.» از آنجا که این جرم از جرایم عمومی است، نیازی به شاکی خصوصی ندارد. بنابراین شما می‌توانید به دادستان حوزه قضایی محل کتبی و شفاهی گزارش دهید. بهتر است این اقدام به صورت دسته جمعی انجام شود و استشهادهای افراد محل مبنی بر انجام اعمال خلاف جمع‌آوری شود. همچنین می‌توانید از مدیر مدرسه هم بخواهید در نامه‌ای وضعیت درسی بچه‌ها و بی‌توجهی والدین را گزارش کند. اگر ممکن است از همسایگان قبلی این خانواده نیز استشهادهای بگیرید. از لحاظ حقوق مدنی بر طبق ماده 1173 قانون مدنی: «هر گاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا ترتیب اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل و یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.» در این ماده هم قید شده است دادگاه می‌تواند تصمیمات لازم برای رعایت مصلحت کودک را اتخاذ کند.

پرسش و پاسخ‌های حقوقی دیگر را ببینید:

[گذاردن درس بخوانم مادر و برادرم نمی](#)

[خشونت علیه فرزند خوانده](#)

[ممانعت از بارداری و جلوگیری از رشد زن](#)

پرسش: دادگاه مثلاً چه تصمیماتی می‌تواند بگیرد؟ آیا امکان گرفتن کودک از آن‌ها وجود دارد؟

پاسخ: دادگاه با توجه به اوضاع و احوال می‌تواند تصمیم‌های مختلفی بگیرد. امکان اینکه از پدر و مادر در مورد حضانت بچه‌ها سلب صلاحیت شود، وجود دارد. در این صورت اگر شخص امینی برای نگهداری باشد، دادگاه حضانت را به آنان می‌سپارد و اگر شخصی یافت نشود، کودکان بدسرپرست شناخته شده و به سازمان بهزیستی تحویل داده می‌شوند. بهتر است ابتدا شما مساله را به دادستان اطلاع دهید تا ایشان تحقیقات لازم را انجام دهد. پس از اتمام تحقیقات از دادستان بخواهید نسبت به فرزندان نیز تعیین تکلیف شود.

[اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.](#)

پرسش: آیا خود این‌ها به خاطر اعتیاد یا فساد مجرم نیستند؟ واقعا معلوم نیست با این وضع بچه‌ها در آینده چطور بشوند.

پاسخ: دایر کردن مراکز فساد و فحشا، بر اساس قانون مجازات اسلامی، جرم بوده و مجازات حبس از یک سال تا ده سال دارد. وقتی شما مساله را به دادستان گزارش می‌دهید ایشان موظف است در این مورد نیز اقدامات لازم را به عمل آورد، اما مستحضر هستید که این امر باید اثبات شود. در مورد اعتیاد هم عرض شود که صرف اعتیاد در موارد خاصی جرم است، اما حمل و نگهداری مواد مخدر جرم بوده و می‌تواند مجازات سنگینی داشته باشد.

پرسش: به نظر تان اثبات می‌شود که این‌ها کارهای خلاف می‌کنند و با آینده بچه‌ها بازی می‌کنند؟

پاسخ: بله اگر پدر سابقه زندان داشته باشد و اعتیادش هم مشخص باشد و شما هم مدارک لازم از جمله نامه مدیر مدرسه و استشهادیه همسایگان را جمع کنید؛ به احتمال بسیار رسیدگی می‌شود. سعی کنید هر اقدامی که می‌کنید کتبی باشد و مساله را نیز پیگیر شوید. به کلانتری محل نیز گزارش دهید. اگر به هر دلیلی دادستان توجه نکند، به رئیس دادگستری مربوطه نامه بنویسید. حتما با بهزیستی هم تماس بگیرید و گزارش بدهید. این تماس‌ها هر چقدر بیشتر و از طرف افراد بیشتری باشد بهتر است.

فرار ۳ هزار دختر از خانه

Photo: fardanews.com

رئیس اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی با اشاره به آمار پذیرش فرار دختران از منزل در سال ۵۹، گفت: با مقایسه این آمار در نیمه نخست سال جاری مشخص می‌شود آمار فرار دختران افزایش یافته است به طوری که در این زمان بالغ بر ۳ هزار دختر از منزل فرار کرده‌اند.

حسین اسدیگی در گفت‌وگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری تسنیم با اشاره به برنامه ریزی سازمان بهزیستی کشور برای ارائه خدمات به هموطنان در استان‌های مختلف، اظهار کرد: بر همین اساس در سال جاری تعداد خودروهای اورژانس و همچنین مراکز مداخله در سطح کشور افزایش یافته است.

وی با اشاره به آمار تماس‌های برقرار شده در خصوص آسیب‌های اجتماعی، بیان کرد: بخشی از این آسیب‌ها به فرار دختران از منزل برمی‌گردد به طوری که در سال ۹۵، ۵ هزار و ۳۸ مورد در این زمینه به اورژانس اجتماعی اطلاع داده شده بود.

اسدیگی ادامه داد: آمار اشاره شده در ۴ بخش ثبت شده که یک هزار و ۱۱۸ مورد از طریق مراکز مداخله در بحران، یک هزار و ۱۴ مورد از طریق خدمات سیار، دو هزار و ۵۷۹ مورد از طریق برقرار تماس با خط ۱۲۳ و ۲۵۹ مورد نیز از طریق پایگاه‌های خدمات اجتماعی پذیرش شده‌اند.

رئیس اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در ادامه به آمار دختران فراری در ۶ ماه ابتدایی ۹۶ اشاره کرد و گفت: طی زمان اشاره شده از طریق مرکز مداخله در بحران ۶۴۴ مورد، خط ۱۲۳، یک هزار و ۷۲۷ مورد، خدمات سیار ۵۱۵ مورد و در نهایت از طریق مرکز مداخله در بحران نیز ۱۴۴ مورد پذیرش شده‌اند.

وی با اشاره به اینکه در حال حاضر ۴ مرکز برای نگهداری دخترانی که در شهر تهران فرار می‌کنند، پیش بینی شده است، گفت: این افراد حداکثر ۳ هفته در مراکز اشاره شده نگهداری می‌شوند و در نهایت و در صورت تشخیص مددکار اجتماعی، فرد به خانواده بازگردانده می‌شود و در غیر این صورت موضوع از طریق قضایی پیگیری می‌شود.

منبع: [خبرگزاری تسنیم](#)

۲۲ خانه امن برای زنان تحت خشونت خانگی در کشور فعال است

Photo: irna.ir

به گزارش خبرنگار ایرنا، فریبا درخشان نیا روز چهارشنبه در نشست خبری به مناسبت افتتاح اولین خانه امن در گیلان در جمع خبرنگاران رسانه های گروهی در بهزیستی استان در رشت اظهار داشت: از این تعداد، ۵۱ مرکز غیردولتی و هفت مرکز دولتی در استان هایی از جمله مرکزی، قم، گلستان، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، سیستان و بلوچستان ارائه خدمات می کنند.

وی با بیان این که خانه امن پناهگاهی برای اسکان زنان و کودکان همراه آنان است، افزود: این زنان به دلیل در معرض خشونت واقع شدن و یا احتمال مورد خشونت قرار گرفتن، نیاز به اسکان در محل امن دارند.

وی با اشاره به ارایه تمامی حمایت های روانی اجتماعی از زنان در خانه امن، بیان کرد: در خانه امن، مداخلات به صورت کوتاه مدت برای پاسخگویی به نیازهای اساسی مانند خوراک، پوشاک، سرپناه و امنیت و مداخله های بلند مدت شامل اقدامات تخصصی به منظور حمایت و توانمندسازی مراجعان انجام می شود و به صورت شبانه روزی در دسترس است.

مدیرکل دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی بهزیستی کشور با بیان این که مدت زمان اقامت زنان تحت خشونت خانگی بر اساس دستورالعمل چهار ماه است، اضافه کرد: این مدت پس از بررسی های کارشناسانه قابل تمدید است.

وی با بیان این که در خانه های امن مددکار اجتماعی، روانشناسان بالینی، مشاور حقوقی، پزشک و روانپزشک فعالیت دارند، اظهار کرد: اورژانس اجتماعی از طریق خط تلفن ۳۲۱ یکی از راه های معرفی زن تحت خشونت و پذیرش وی در خانه امن است.

درخشان نیا بیان داشت: تا پایان سال جاری، در صورت تمایل بهزیستی استان ها، خانه امن در سایر استان های فاقد این خانه، دایر می شود.

*فعالیت ۰۰۲ مرکز اورژانس اجتماعی در کشور

مدیرکل دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در ادامه نشست خبری در جمع خبرنگاران استان گیلان در رشت بیان داشت: در زمان حاضر، ۰۰۲ مرکز اورژانس اجتماعی در کشور فعال است.

وی خدمات به زنان در بخش های همسر آزاری و خشونت خانگی را از جمله فعالیت های مراکز اورژانس اجتماعی بهزیستی در کشور عنوان و اظهار کرد: بر اساس فعالیت های سال گذشته، یک هزار و ۰۰۶ زن در کشور تحت خشونت قرار گرفتند که بخشی از آنها به خانه امن هدایت شدند.

درخشان نیا با بیان این که رویکرد سازمان بهزیستی حمایت از همه زنان تحت خشونت است، اضافه کرد: بر اساس طبقه بندی خشونت شامل جسمی، روانی و اقتصادی است که بیشترین خشونت ها در استان ها، جسمی و روانی است.

* افزایش شدت و میزان خشونت، زنگ خطری برای همه ماست

مدیرکل دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با بیان این که میزان و شدت خشونت بالا رفته، اظهار کرد: این موضوع زنگ خطری برای همه ماست.

خشونت هر نوع بدرفتاری است که از یک نفر سر می زند و باعث آسیب دیدن یا آزار یک نفر دیگر یا چند نفر دیگر می شود، اگر کسی این نوع بدرفتاری را داشته باشد، می گوئیم که او رفتار خشنی دارد و خشونت می کند و اگر کسی هم رفتار خشن او را قبول یا تحمل کند و سعی نکند که جلوی او را بگیرد، می گوئیم که او قربانی خشونت یا بدرفتاری، یک آدم خشن شده است.

درخشان نیا در ادامه سخنانش با بیان این که امسال سند راهبردی حمایت های روانی اجتماعی از قربانیان خشونت در حال انجام است، تصریح کرد: این اقدام کار تخصصی است که فراخوان از دانشگاه های مادر انجام گرفته که قرار است یکی از دانشگاه های مطرح در تهران این سند راهبردی را برای ما تدوین کند.

وی در تشریح این سند بیان داشت: تمامی حمایت های روانی و اجتماعی و این که برنامه ریزی بایستی چگونه باشد تا قربانیان خشونت کمترین آسیب را داشته باشند و حتی رویکرد اجتماعی در آن مد نظر است.

وی در ادامه با اشاره به نقش مهم رسانه ها در اطلاع رسانی و تنویر افکار عمومی خاطر نشان کرد: بیش از ۶۱۰ فعالیت در بهزیستی تعریف شده اما مردم از همه این فعالیت ها باخبر نیستند.

نخستین خانه امن و مرکز حمایت از دختران در معرض آسیب روز چهارشنبه با حضور فریبا درخشان نیا مدیرکل دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی بهزیستی کشور در گیلان گشایش یافت.

منبع: [خبرگزاری ایرنا](#)

! حراج سه نوزاد: دهنده در حوالی اراک اتفاقی تکان

Photo: isna.ir

با اختلاف یک دقیقه، پا به این دنیا گذاشته‌اند اما سرنوشت هر سه‌شان یکسان بوده است. آنها به این خاطر که زودتر از موعد متولد شده‌اند، همچنان در دستگاه نگهداری می‌شوند.

به گزارش ایسنا، «میزان» در ادامه نوشت: مادرشان 33 ساله است و همسر دوم مردی شده که هنوز درگیر پرداخت مهریه همسر اولش است.

در روستای آنها دختر که سنش از 30 سال می‌گذرد باید حتما به خانه بخت برود و «مژگان» به اجبار خانواده، با مردی که 2 سال از خودش بزرگ‌تر بوده و از همسر اولش جدا شده، ازدواج کرده است.

آنها درگیر مشکلات عدیده‌ای هستند و مژگان و سعید هیچ گاه نتوانسته‌اند از پس مخارج زندگی‌شان برآیند.

آنها در روستایی در حوالی شازند از توابع استان مرکزی زندگی می‌کنند و مرد خانواده کار مشخصی ندارد. با این شرایط، او از همان ماه‌های نخست زندگی مشترکشان تاکید زیادی به فرزندآوری داشته و سرانجام پس از گذشت 3 سال، خواسته مرد با تولد «نیکا»، «سارا» و «خورشید» برآورده می‌شود. مردی که می‌خواسته پدر یک فرزند شود، حال با تولد سه قلوها غافلگیر شده و به فکر فروش فرزندانش افتاده است.

او در ابتدا، بهای 40 میلیون تومان را برای هر یک از فرزندان خود تعیین کرده اما زمانی که با استقبال خریداران تهرانی مواجه نشده است، قیمت در نظر گرفته برای فرزندانش را پایین آورده است.

فاطمه یزدان‌پور - مددکار اجتماعی موسسه خیریه مهرآفرین - توضیحاتی را در رابطه با وضعیت زندگی مژگان و تلاش‌های همسر او برای فروش فرزندانش مطرح کرده است.

وی در این رابطه می‌گوید: یک هفته قبل، مژگان برای وضع حمل به یکی از بیمارستان‌های اراک مراجعه می‌کند. او به این خاطر که توان پرداخت هزینه‌های بیمارستان را نداشته از طرف مددکاران بیمارستان به موسسه خیریه مهرآفرین معرفی می‌شود.

وی می‌افزاید: زمانی که با مژگان مواجه شدیم او اعلام کرد که همسرش قصد دارد سه قلوها را به فروش برساند.

این مددکار اجتماعی با اشاره به تولد زود هنگام سه‌قلوها می‌گوید: به علت شرایط ویژه مادر، سه‌قلوها 40 روز زودتر از موعد مقرر به دنیا می‌آیند و به همین خاطر باید در دستگاه نگهداری می‌شدند.

یزدان‌پور می‌افزاید: همان زمان شرایط را برای بستری‌ماندن سه‌قلوها در بیمارستان فراهم کردیم و مقرر شد این 3 نوزاد در دستگاه

نگهداری شوند تا به شرایط عادی بازگردند.

وی آشنایی پدر نوزادان با یک زن در بیمارستان را یکی از اصلی‌ترین دلایل تشویق پدر به فروش فرزندان خود می‌داند و می‌گوید: روزی که 3 قلوها متولد شدند، «سعید» پدر سه نوزاد با یک زن که خود را کارمند بازنشسته یکی از نهادهای دولتی معرفی کرده، آشنا می‌شود. با توجه به انگیزه پدر سه قلوها برای فروش نوزادانش، بحث فروش آنها مطرح می‌شود. او در ابتدا برای هر کدام از آنها قیمت 40 میلیون تومان را تعیین می‌کند اما پس از چانه‌زنی‌های زیاد، حاضر می‌شود هر کدام از نوزادان خود را به بهای 20 میلیون تومان بفروشد.

این مددکار اجتماعی می‌افزاید: مادر نوزادان موضوع فروش سه‌قلوها را فاش کرد و ما نیز متوجه شدیم که پدر قصد دارد فرزندان خود را به دست یک زن بسپارد تا راهی تهران شود و نوزادان را به یک خانواده واگذار کند. این طور به نظر می‌رسید که پدر در حال جر و بحث برای افزایش بهای نوزادان است تا علاوه بر کسب درآمد، مبلغی را نیز به پدر و مادر خود بدهد.

یزدان پور از ارسال گزارش مددکاری به دادستانی خبر می‌دهد و می‌گوید: گزارش مددکاری و وضعیت فرزندان با همکاری اورژانس اجتماعی در اختیار دادستان قرار گرفت و خوشبختانه با حکم دادستان اراک، مقرر شد سه قلوها به علت عدم صلاحیت خانواده، برای نگهداری از فرزندان به سازمان بهزیستی واگذار شوند.

وی از ارائه خدمات به مادر نوزادان خبر می‌دهد و می‌گوید: مژگان اکنون تحت نظارت موسسه ما قرار دارد و خدمات بهداشتی و درمانی به او ارائه می‌شود.

منبع: ایسنا

خشونت در همسایگی ما

عکس: [Bigstock.com/HalfPoint](https://www.bigstock.com/HalfPoint/)

محسن فرشیدی

اکرم ۹۱ سال دارد و دانشجو است. در آپارتمانی شش طبقه در منطقه پنج تهران با پدر و مادر و برادر کوچکتر خود زندگی می‌کند. او می‌گوید چند شب در هفته از خانه همسایه صداهای بگو و مگو و جیغ فرزندان را می‌شنود و این موضوع چندین ماه و از زمانی که ما ساکن این آپارتمان شده‌ایم همواره وجود داشته است. برخی هفته‌ها بیشتر، برخی کمتر. مادرم با زن همسایه رفت و آمد دارد. روزها به خانه همدیگر می‌روند و زن همسایه در این مورد صحبتی نمی‌کند، اما شب‌ها با آمدن همسر به خانه سر و صداها شروع می‌شود. چندین بار از مادرم پرسیده‌ام و هر بار با این پاسخ مواجه شدم که این یک موضوع خانوادگی و خصوصی است، همان پاسخی که شب‌ها وقتی صدای فریاد از خانه‌شان می‌آید پدرم می‌گوید: "نباید در زندگی مردم دخالتی کنیم." پنجره‌ها بسته می‌شود و ما سعی می‌کنیم به خواب برویم، اما از خانه همسایه تا پاسی از شب صدای خشونت می‌آید.

خشونت خانگی به شکل‌های مختلف در بسیاری از خانه‌ها وجود دارد. وقتی خشونت به شکل فیزیکی و یا کلامی آن منجر می‌شود، فرد آزارگر دیگر نمی‌تواند آن را در پستوی خانه نماند کند. با وجود توسعه شهری و گسترش آپارتمان نشینی، اما فرهنگ اطلاع از احوال همسایگان همچنان در میان بسیاری از ایرانی‌ها وجود دارد. در برخی مواقع این موضوع از این هم فراتر می‌رود و به دخالت در زندگی یکدیگر منجر می‌شود. مواردی از جمله ازدواج، روابط فرزندان، خریدهای خانگی و یا رفت و آمدها در میان بسیاری از ساکنان آپارتمان یک موضوع خصوصی باقی نمی‌ماند. اما با این وجود، خشونت خانگی در بیشتر مواقع به عنوان یک موضوع خصوصی که نباید در آن دخالتی کرد مطرح می‌شود.

خشونت امری خصوصی و شخصی نیست

فرهنگ عمومی در جوامع مردسالار خشونت خانگی را اتفاقی خصوصی تلقی می‌کند. قوانین کشوری با تاکید بر تمکین زن از همسر به شکل‌های مختلف نیز چنین باوری را تقویت و بستری را برای خشونت ورزیدن آماده می‌کنند. نیروهای مثل پلیس نیز امنیت فرد آسیب دیده در خانه را تامین نمی‌کنند. اما واقعیت این است که خشونت امری خصوصی نیست. امروزه در بسیاری از کشورهای توسعه یافته با

تغییرات گسترده در قوانین، موضوع خشونت خانگی را یک معضل اجتماعی تعریف می‌کنند که می‌تواند در نهایت آرامش روانی جامعه را دچار چالش‌های جدی کند. در جهان امروز، چه از منظر فردی و چه اجتماعی مقابله با خشونت خانگی یکی از وظایف اصلی و مهم شهروندان و سیاستمداران یک کشور تعریف می‌شود.

یک دو سه

شماره تلفن سه رقمی یک-دو-سه با هدف حمایت از افراد آسیب دیده در خانواده از سال ۳۸۳۱ آغاز به کار کرد. تمرکز و محوریت این شماره در ابتدا بیشتر بر کودک آزاری متمرکز بود و بعد از چند سال به دیگر آسیب‌های اجتماعی از جمله خشونت علیه زنان، فرار فرزندان از خانه، خودکشی، کودکان خیابانی و موارد دیگر گسترش پیدا کرد. ایجاد یک شماره رند و سه رقمی که در اذهان باقی بماند و در مواقع اضطراری فرد آسیب دیده را ترغیب به تماس بکند یکی از اهداف اولیه مسئولین مرکز هماهنگی فوریت‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور عنوان شده است. [سخنگوی وقت وزارت رفاه و تامین اجتماعی](#) در سال ۷۸۳۱ در مورد خط ۳۲۱ اظهار کرد: «اگرچه خط تلفن بحران در ۰۶۱ کشور جهان وجود دارد، اما تقریباً هیچ یک از آنها ۳ رقمی نیست، در صورتی که خط تلفن اورژانس اجتماعی ۳ رقمی و روان‌ترین خط تلفن برابر قواعد اعداد یعنی یک، دو، سه است. «یکی دیگر از اهداف ایجاد چنین سامانه‌ای جابجایی حضور مددکاران اجتماعی به جای پلیس در زمان بروز خشونت عنوان شده است.

مسئولین وقت این سامانه تاکید داشتند مقابله با خشونت و یاری رساندن به فرد آسیب دیده کاری تخصصی است که پرسنل این سازمان با آموزش و تخصص، بهتر از دیگر ارگان‌ها می‌توانند آن را ارائه دهند. اما مددکاران اجتماعی محدودیت‌هایی دارند. در ایران و بر خلاف بسیاری از کشورها، پلیس در امور خشونت خانگی دخالت مستقیم و حمایتی از فرد آسیب دیده صورت نمی‌دهد. طبق یک قانون نانوشته تا زمانی که خشونت علنی نشده باشد و در خانه باقی بماند، پلیس در آن دخالتی نمی‌کند. حضور مددکاران اجتماعی در زمان خشونت با محدودیت‌های قانونی فراوانی مواجه است و آن‌ها اجازه حضور و دخالت مستقیم در خانه‌ای که خشونت در آن در حال وقوع است را ندارند. در اکثر موارد گرفتن این مجوز بسیار زمان‌بر است. اضافه بر آن حضور پلیس از آن جهت در کنار مددکاران اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد که آن‌ها سریع‌تر می‌توانند مداخله کرده و به خشونت پایان دهند. همچنین از مددکاران اجتماعی حمایت کافی را در مقابله با خشونت احتمالی می‌توانند صورت دهند.

مشکلات حاد و خشونت خانگی، دلیل اصلی تماس با ۳۲۱

سامانه اورژانس اجتماعی زیر نظر مرکز فوریت‌های بهزیستی قرار دارد و کاهش خشونت‌های خانگی با مشاوره و دوره‌های رایگان یکی از اهداف مهم آن تعیین شده است.

حبیب الله مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی، خشونت و مشکلات حاد خانوادگی را دلیل اصلی تماس‌های با این مرکز عنوان کرده است. وی در مصاحبه با [خبرگزاری دانشجویان ایران](#) گفت: «مشکلات حاد خانوادگی اعم از طلاق و یا سایر اختلافات و منازعات درون خانوادگی ۵۲ الی ۶۲ درصد تماس‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. پس از آن خشونت‌های خانگی عمده علت تماس با این خط تلفنی بود، که از جمله آنها کودک آزاری ۵.۸ درصد و همسر آزاری ۵.۷ درصد تماس‌ها را به خود اختصاص داده بودند.»

اثبات خشونت که در بیشتر مواقع در خانه و به دور از چشم دیگران صورت می‌گیرد در سیستم قضایی ایران بسیار مشکل است. در این میان نقش همسایگان و نزدیکان می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. مداخله همسایگان اضافه بر اینکه می‌تواند از آسیب رساندن بیشتر به فرد جلوگیری کند، خود می‌تواند سند و شهادتی در حمایت از فرد خشونت دیده در مراجع قضایی باشد. در جوامع مردسالار خشونت همسر علیه زن نه تنها به عنوان یک هنجار معرفی نمی‌شود که به عنوان امری خصوصی و درون خانوادگی نادیده گرفته می‌شود. رییس سازمان بهزیستی تاکید کرده است: «بیشترین تماس‌ها با اورژانس اجتماعی در سال‌های گذشته توسط زنان با میانگین سنی بین ۰۲ تا ۰۴ ساله صورت گرفته است. «هر چند بسیاری از افرادی که مورد خشونت قرار می‌گیرند تا سال‌ها این موضوع را با کسی در میان نمی‌گذرانند، اما این موضوع نشان‌دهنده این واقعیت است که زنان در کنار کودکان قربانیان اصلی خشونت خانگی هستند.

مددکاران و خشونت خانگی

مددکاران اجتماعی با فرد آزارگر و فرد آزار دیده به شکل‌های مختلف در ارتباط هستند. چه حضور آن‌ها در لحظه بروز خشونت باشد و چه زمانی که این افراد به مراکز مددجویی معرفی می‌شوند. با ایجاد سامانه تلفنی ۳۲۱ و تغییر سیاست‌ها، مددکاران اولین کسانی خواهند بود که در در صحنه‌ی بروز خشونت حضور خواهند داشت، اما یکی از مشکلات مددکاران مجوز ورود به خانه‌ها است.

معاون اجتماعی بهزیستی در خصوص صدور مجوز برای ورود تیم مددکاری اورژانس اجتماعی در گفت‌وگو با [خبرگزاری دانشجویان ایران](#) اظهار کرد: «مجوز ورود تیم مددکاری به تمامی موارد گزارش شده باید حتماً از سوی قوه قضاییه صادر شود، اما در حال حاضر همکاران استانی بهزیستی با ناجا و قوه قضاییه هماهنگی‌های بسیار خوبی را برقرار کرده و در موارد اضطراری تیم مددکاری و نیروی انتظامی همزمان به محل اعزام و در برخی اوقات نیز حکم قوه قضاییه به صورت تلفنی صادر می‌شود. «وی ادامه داد: «البته باید بدانیم در بسیاری

از کشورهای پیشرفته دنیا مانند امریکا نیز تیم مددکاری با پلیس در محل وارد می‌شود زیرا در غیر این صورت ممکن است جان مددکاران به خطر بیفتد زیرا مددکاران به لحاظ مهارتی نمی‌توانند مانند پلیس عمل کنند و اقتدار، ابزار و مهارت پلیس را ندارند و همراهی پلیس با آنها می‌تواند ضامن امنیت جانی آنها شود.»

خشونت در هر قشری ممکن است

امکان بروز خشونت خانگی، از جنوبی ترین نقطه تهران، تا شمالی ترین آن و از روستاهای کوچک تا شهرهای بزرگ و در هر طبقه اجتماعی ممکن است. عوامل اقتصادی، اعتیاد، مشکلات روانی و باورهای مردسالار می‌توانند از عوامل تشدید کننده‌ی خشونت باشند. در نبود آموزش‌های دولتی که باید از سنین کودکی و از مدارس آغاز شوند، خانواده‌ها نقش بسزایی در تغییر باورهای عمومی عمدتاً مردسالار مثل تمکین و یا خصوصی تلقی کردن خشونت را دارند. اما در نبود چنین بستری، برخی رسوم و سنت‌ها از جمله اطلاع داشتن از وضعیت افرادی که در همسایگی ما زندگی می‌کنند، سلامت روانی آن‌ها، دخالت کردن در لحظه بروز خشونت و تماس فوری با تلفن‌هایی که برای این منظور ایجاد شده‌اند می‌توانند در کاهش خشونت خانگی موثر باشند.

خط یک دو سه و اما و اگرهای بسیار



بهزیستی عکس:

روزنامه نگار - ماهرخ غلامحسین پور

حدود هفت سال پیش دوست خبرنگارم از یکی از شهرهای جنوبی برای پیگیری یک کار اداری، به تهران آمده بود. خودش و پسرک سه ساله‌اش، خانه ما ساکن شدند، پسرک نا آرام و بی‌قرار بود، به همه چیز کار داشت و هر چیزی دم دستش بود یا می‌خورد زمین و خاکشیر می‌شد یا به سرعت با دست‌های من و مادرش مابین زمین و آسمان نجات داده شده و رستگار می‌شد. اعتراف می‌کنم تحمل غرغر و نق نق روز سوم اقامتشان وقتی بچه «کودکان دشوار» گویندها می‌اش چیزی ورای طاقت آدمی بود. از آن کودکانی که به آن‌ها وقفه‌های بی‌کردن ظرف شیر را روی قالیچه دست بافت خانه سرریز کرد شاهد اتفاقی بودم که هنوز هم بعد از گذر این همه سال نتوانسته‌ام درکش کنم، خانم روزنامه نگاری که مدام در مورد حقوق کودکان می‌نوشت در یک شرایط برافروخته و عصبی بچه‌اش را با خشونت به باد کتک گرفت، تا من شگفتی اولیه را پشت سر بگذارم و خودم را برای نجات کودک به دل معرکه برسانم، تن نحیف کودک، چندین چک و تو گوشی دلخراش را تحمل کرده بود، بچه را از زیر دست و پای مادر عصبی و برافروخته‌ای که خودش هم بابت بی‌تابی‌های کودک به مرز جنون دادم و بحث آزاررسانی به کودکان و تلفن‌ها من به عنوان خبرنگار ایرنا، حوزه بهزیستی را پوشش می‌همان روز رسیده بود نجات دادم، امداد رسانی ۳۲۱، از مباحث روز بود، من به تلفن اورژانس اجتماعی زنگ نزد، اما با دوستم مشاجره کردم، فردای آن روز او خانه مرا ترک کرد و آن دیدار آخر ما شد. نمیدانم پس از آن پسرک چندین بار دیگر در آن لحظه‌های برافروختگی مادرش کتک خورده است، خودم هم اعتراف می‌کنم گاهی وقتی درمانده می‌شوم انگشت اشاره به سمت کودکم تکان می‌دهم و داد و فریاد راه می‌اندازم و البته بعد از آن با به یادآوری ترس‌هایش شرمناک انسان درونم می‌شوم اما باور این حقیقت تلخ لازم است که مسلماً بیشترین آزاررسانان کودک، والدین ناآگاه یا حتی مراقبین کاملاً آگاه اما آشفته و عصبی هستند و بیشترین درصد آزار کودکان توسط والدینی اعمال می‌شود که خود را مالک مطلق کودک تلقی کرده و انجام هر نوع رفتار خشونت آمیزی را حق خودشان می‌دانند.

سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده است، سالانه بیش از 250 میلیون کودک در جهان مورد آزار جسمی قرار می‌گیرند، کودکانی که قادر های قانونی درشناختی از حق و حقوق خودشان ندارند و گاهی طبق عرف و سنت و حتی نارسایی به دفاع از خود نیستند و کمترین

کشورهای جهان سوم، جزء مایملک پدر و مادر محسوب می‌شوند.

([ایرنا سوم تیر 1393](#)) دهمچنین مرگ بیش از یک میلیون و ۰۴۳ هزار کودک در جهان به علت خشونت و آزار رخ می

شاید بابت همه این دشواری هاست که راه اندازی اورژانس اجتماعی در ایران می‌تواند برای کودکان در معرض آسیب یک روزنه به سوی استانداردهای طبیعی‌تر زندگی باشد.

شما به خط ۳۲۱ مرکز اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی تماس» گوید: گیم صدای آرام زنی در آن سوی خط می‌شماره ۳۲۱ را که می‌گرفته‌اید، خدمات این خط درباره کودک آزاری و سایر خشونت‌های خانگی است لطفا چند دقیقه صبر کنید تا ارتباط شما با کارشناس «مربوطه برقرار شود.

برقراری خطوط تلفن اورژانس اجتماعی سالهاست در کشورهای پیشرفته به عنوان یک راه حل موقتی برای کاهش پیامدهای کودک آزاری مورد استفاده قرار می‌گیرد و سابقه‌ای طولانی دارد.

اما در ایران اولین مرکز اورژانس اجتماعی در سال ۸۷۳۱ در هشت استان کشور راه اندازی شد، گرچه در ابتدا شماره این مرکز سه رقمی نبود و همین مساله مردم را به دردسر می‌انداخت اما از سال ۳۸۳۱ شماره مرکز اورژانس اجتماعی به شماره ۳۲۱ تبدیل شد، شماره‌ای که پیش از آن به اورژانس فوریت‌های پزشکی اختصاص داشت.

انتخاب شماره سه رقمی ۳۲۱ انتخاب هوشمندانه‌ای بود برای آنکه به خاطر سپردن آن برای کودکان دشوار نیست.

اورژانس اجتماعی در روزهای نخست راه اندازی با حداقل اعتبار مشغول به کار شد و خودروهایی در آن روزها، خودروهای متفرقه سازمان بهزیستی بودند. اما نخستین بار در سال ۷۸۳۱ در محل نمایشگاه بین‌المللی تهران ۰۵ خودروی اورژانس اجتماعی به نمایش گذاشته و استفاده از آنها آغاز شد، اگر چه از ابتدا شروع این طرح پیش بینی شده بود که حداقل به ۰۰۷ خودروی ون برای به سامان رساندن آن مورد نیاز است.

در میان آن هشت استان کشور اولین مرکز اورژانس اجتماعی نیز در شهر یزد راه اندازی شد و وزارت تعاون، وزارت کار و رفاه اجتماعی و سازمان بهزیستی نخستین مجریان این طرح بودند.

اگر چه علاوه بر وزارتخانه‌هایی که نامشان گفته شد و بر اساس ماده چهار لایحه فوریت‌های اجتماعی، دستگاه‌های مختلفی همچون وزارتخانه بهداشت، ارتباطات و فناوری، دادگستری، وزارت کشور، راه و شهرسازی و وزارت خانه رفاه و تعاون نیز مکلف شدند تا هماهنگی‌های لازم را با سازمان بهزیستی کشور انجام دهند.

این اورژانس با هدف کاهش آسیب‌های اجتماعی و بر پایه اصول مداخله در بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی شامل خط تلفن اورژانس (۳۲۱)، تیم اورژانس اجتماعی سیار شامل روانشناس و مددکار همچنین پایگاه‌های ثابت خدمات اجتماعی بود.

به هر حال راه اندازی شماره ۳۲۱ گام مثبتی برای حل مشکلات کودکان آسیب دیده و شناسایی آنان به شمار می‌رود. و اگر چه این طرح اندکی دیر به مرحله اجرا رسید اما علی‌رغم همه کاستی‌هایش و حتی اگر آن را کاریکاتوری از همه آن چیزی بدانیم که امروزه در کشورهای پیشرفته مرسوم است، باز هم گام مثبتی به سوی ساختن دنیای بهتری برای کودکان است.

تلفن ۳۲۱ گر چه فقط در حوزه کودک آزاری فعال نیست و حوزه‌هایی به مراتب گسترده‌تر از مسئله کودکان دارد اما فعالیتش به خصوص در مورد پدیده کودک آزاری و شناسایی کودکان آسیب دیده موثر است چرا که کودکان قادر به حمایت از حقوق انسانی خود نیستند، آنان ضعیف و ناتوان و آسیب پذیرند و فعالیت اورژانس اجتماعی می‌تواند از میزان ضربه‌هایی که به بدن نحیف آنان وارد می‌شود بکاهد. چرا که مداخلات اجتماعی، کارکردی تخصصی و به موقع دارند و پیش از مداخلات قضایی و انتظامی عمل می‌کنند.

دیگر گروه‌های هدف این تلفن امداد رسان شامل زنان آسیب دیده، مهاجران حاشیه شهرها، نوجوانان تحت فشار، آنانی که با مشکلات جنسی یا عاطفی مواجه بوده یا در آستانه طلاق هستند، دختران فراری، افراد در معرض اعتیاد، معلولان در معرض آسیب و آزار، سالمند آزاری، مبتلایان به اختلال هویت جنسی، بی‌خانمان‌ها، کودکان کار و خیابان، معضل خودکشی و همچنین مشکلات آسیب رسانی به بیماران روانی نیز بخش‌های دیگری از حوزه فعالیت 123 هستند.

امسال پانزدهمین سال اجرایی کردن این طرح است و بیش از دو هزار و ۰۰۵ نفر در ۰۹۱ پایگاه خدمات اورژانس اجتماعی مشغول به کارند و در سال بیش از ۵۲ هزار مورد مداخله در سراسر کشور ثبت شده است. (سایت سازمان بهزیستی)

اما سوال اینجاست که چرا علی‌رغم همه تلاش‌های انجام شده و بودجه صرف شده این خط هنوز نتوانسته جایگاهی مانند خط ۰۱۱ در

بین افکار عمومی پیدا کند؟

مواجهه می شود با مقابله مواد قانونی مداخله مددکاران گاهی

یک کارشناس رشته مددکاری اجتماعی که در خط تلفن ۳۲۱ تهران مشغول به فعالیت است در این باره به خبرنگار خانه امن می گوید آنچه که مانع آزادی عمل مددکاران اجتماعی در حمایت از کودکان آسیب دیده است، مفاد قانون است که به پدر و مادر به عنوان مالک مطلق کودک نگاه می کند.

گوید: یکی از ایرادات جدی این طرح این است که برای ورود به خانه گزارش شده نیاز به حکم قضایی است و گاهی می «نسرین. م» ممکن است به دلیل ناهماهنگی هایی که بین سازمان بهزیستی و مرجع قضایی وجود دارد، گرفتن حکم ورود به خانه گزارش شده مستلزم صرف زمانی چند روزه و حتی گاهی چند هفته ای باشد و همین مدت زمان کافی است تا کودک، در معرض آسیب ها و کشمکش های جبران ناپذیر دیگری قرار بگیرد.

او با اشاره به اینکه تازه بعد از نجات کودک از دست آسیب رسان، شروع فصل در به دری است می افزاید: ممکن است کودک را با مداخله قضایی از خانواده بگیرند و به مراکز نگهداری ارجاع دهند اما به خاطر کمبود اعتبار و نارسایی های قانونی، بهزیستی موظف است ضمن آموزش خانواده و مناسب سازی شرایط آنجا، کودک را به خانواده برگرداند اما در واقع این مهم نادیده گرفته شده که آنچه که ریشه همه نابسامانی های خانواده است همچون فقر و اعتیاد کماکان به قوت و قدرت خود باقی است و بعد از مدت زمان کوتاهی که آب ها از آسیاب افتاد باز هم کودک در شرایط مشابه گذشته قرار می گیرد.

او به این نکته اشاره می کند که غالباً مددکاران بهزیستی تلاش می کنند با شیوه های دل جویانه و اظهار همدردی، با والدین آسیب رسان وارد مذاکره شوند تا کار به شکستن قفل و مداخله قضایی نیانجامد.

او تاکید می کند که پیگیری شرایط کودک بعد از بازگرداندنش به خانواده مهم است و نباید تصور کرد که همه چیز به خیر و خوشی ختم به خیر شده و کودک را فراموش کنیم.

نسرین به مشکلات عدیده مددکاران اشاره کرده می افزاید: گاهی اوقات ممکن است والدین از کارکنان مرکز اورژانس اقامه دعوا کرده و رها نکند. از آنان به قوه قضاییه شکایت کنند و بر عهده بهزیستی است که در این شرایط مددکارش را بدون حمایت

او با تاکید بر اینکه مشکلات این مراکز یک یا دو مشکل نیست به وجه دیگری از مشکلات اورژانس اجتماعی اشاره می کند و می گوید: برخی مراکز اورژانس اجتماعی که در روزهای نخست با هیاهوی بسیار توسط سازمان بهزیستی افتتاح شدند در طول مسیر کار به علت کمبود بودجه برچیده شدند.

این مددکار اجتماعی بر این باور است که وقتی صحبت از خدمات سرپایی و نگهداری موقت است مراکز اورژانس ما مشکلی ندارند و می توانند کمک فوری و موردی و مشاوره بدهند و حتی کارآمد و موثر باشند. اما برای خدمات دهی دراز مدت با اما و اگرهای بسیار مواجه اند.

او از اینکه قوانین حمایت گرانه در ایران غالباً با والدین آزاررسان مماشات و همدلی می کند و با دیده اغماض آن ها را می بخشند، اظهار تاسف می کند و می افزاید: بهزیستی یک سازمان اجرایی نیست یعنی دستش کاملاً برای اجرا باز نیست. غالباً با کمبود بودجه و اعتبار مواجه است و به همین دلیل هم طرح هایش نیمه تمام باقی می ماند.

کودکان آسیب دیده را معرفی کنیم

غالباً به سه شکل افراد در معرض آسیب به مراکز اورژانس اجتماعی معرفی می شوند، به شکل خود معرف، توسط دوستان و همسایگان یا توسط مراجع قضایی.

اما بیشترین سهم اطلاع دهی مشمول خشونت های فیزیکی می شود، خشونت که نماد بیرونی دارد و در معرض دید است و عمده تماس گیرندگان نیز از همسایگان یا افرادی هستند که به طور اتفاقی بروز خشونت را مشاهده می کنند.

تعدد ارگان های موازی

گوید محاسن مرکز اورژانس اجتماعی زیاد است اما متأسفانه شناس ارشد مددکاری شاغل در سازمان بهزیستی می، کار «ناهد امیرناصری» هنوز هم فرهنگ بهره بری از این سیستم در میان آحاد مردم جا نیافتاده و فعالیت ارگان های موازی بهزیستی همچون پلیس ۱۱۰ و ۷۳۱ شهرداری در کار اورژانس اجتماعی که تخصصی است، به نوعی مداخله ایجاد می کند.

امیرناصری می‌گوید اگر کودکی مورد آزار قرار بگیرد و والدین آزاررسان مانع مداخله اورژانس بشوند از طریق مراجع قضایی حکم می‌گیرند و با پدر برخورد می‌کنند و اگر سطح آزارسانی بالا باشد و والدین مقصر باشند ممکن است از والدین سلب حضانت کنند.

او از موازی کاری شهرداری و نیروی انتظامی، عدم قانون حمایت‌گر و نیز بی‌اطلاعی مردم در مورد کارکرد این اورژانس به عنوان مشکلات و موانع آن نام می‌برد.
